

گردد و مجموع هرگز در آن انفسیه ارسال شود و چون
 اجتناب و بیست و کلا در نقطه از نقاط و انعقاد جلسات
 بیست و نخل مرکزی که ضمایش از مرکز مختلفه و ایالات
 و ولایات بعیده منتخب گشته بی موجب شکل نظر می آید
 بهر آن است که نمایندگان محترم بین از مشورت
 با اعضای نخل روحانی مرکزی هستی نویسی و معاخذت
 محافل روحانی که تابع آن هستند بوسائل فساد و
 تدابیر محکم متبینه منسبت شوند تا بهتدوینج موافق و
 مشاغل عالی مرتفع شود و شبیهات کلیه
 فراموش گردد و نوایای مقدسه با حسنات و آنها
 در جامه امر جلوه نماید و تحقق پذیرد و همچنین بیست
 نهادی در ایجاد و مشاغل از برای تعیین عهد بهایان
 منت خویش میزدول نمایند و مراعات حکمت را
 در جمیع احوال بنمایند تا از جنبی موثقات
 و معاهد امره براساس حکم دستوار گردد و از جنبی
 نازند جمال مشتعل نشود و اسباب فساد و
 دلولد و آشوب فراموش گردد بحاکم امور محلی مرکز

و ششون

و ششون عمومی روحانی امر در آن محکمت مسرود و هیچ
 و حصر در نخل مقدس روحانی مدینه طهران است
 شکل هیئتی مجزا از نخل مقدس و مرکب از اعضای
 مقیم طهران از برای اداره ششون عمومی لازم و مشابهت
 زیرا نقطه در مرکز نقطه از نقاط باعث تشویش
 اختلاف گردد و تولید سوء تفاهات نماید و نخل
 نظم و وحدت جامعه امر در آن مدینه ششون
 ایدکم الله علی ما تشعرون بشریة البصائر و تشکر عالم
 فی نکت الارحام
 از خبر مشت از صعود حضرت شامین اکی بیگوت ابی
 حزن و تأسف و تحسر و تأثر بی پایان حاصل
 ان شخص شخص و نفس نفس سنین مثالیه بعزم و
 نشاطی محیر العقول بخدمت آستان مقدس مشغول
 و نالوف بود وی آرام نیافت و دقیقه
 استراحت نخب در نبوت و وفا قدوه اصحاب
 و ازار بود و در فداکاری و علو همت و علو من
 نیت و پاک فطرت مفندای اجاب و اسرار

از
۱۳۱۹

از ایاوی فقال حضرت غیب اعی در آن کشور مقدس
 محسوب بود و در زمره خاصان و مقربان درگاه
 احدیت محشور مقامش اعلی المقام خدمات
 شسته اش لانه مرقه القرون و الأعوام قدر این
 نفوس زکوة البوم معلوم نه سوف یفتخر بکم
 رجال الأرض ویتذکرا یا ارحم الراحمین
 و یتبای بسم الجهور علی وجه الغبراء
 فتسبح جناحه واطیر علی مرتدة المنیر شایب
 رحمة واحسانه وامنه فی بجة عضوه وفضله
 ان الله هو الموبد التواب العارف

القدر العالی العذیر

بنده استغاث

سوفی

۱۹۲۸

قد انی درگاه بنده استغاث حضرت عبدالبار علی شاه
 علی اکبر روحانی استغاث ۲۴ مرداد ماه ۱۳۰۲

سپاهیان ککوت جمهور بهایان در اقطار و ممالک شرقیه
 و سروران جنود مجزده روحانیان اعضای محافل معتد
 روحانیه و عبیه نورانیه شجره کسب داران لشکر
 عزم الهی انسانی مجتهد محافل روحانی مرکزی در انصفا
 علیهم آلاف التحية والثناء فکرت افاضه
 بنایند

ایضا انحراب الالهی روحی و ما یتعلق بی لشاکم
 و شها شکر الفداء سالیان دراز است که
 آفتاب جهانتاب آئین جمال ابعی از بدو طلوعش
 از افق آن تسلیم بر بلاد صفحات شرق کبکوف
 طایا و در زوایای لائفة و لا تخشی بسلا روح شیش
 جاویدش در آن ممالک و بلدان در قالب فیود
 ملکیه و حدود است ناسوتیه اسیر و عاقلان
 پایش در پنجه اسل طغیان و ارباب شرک
 و کفران محصور و دستگیر صلاهی عظیم الهی سنین
 متوالیه است که در زوایای جنبه منادیان امرش
 مضر و نهال امیدش در مزرعه وجود بر شمشاد

دانه شید نشن خون آلود و مگر روی دلارایش در پس پرده
 طنون و او دام عشقه بایه مقنوع و اشعه حیات و بنده اش
 در خلف حیات غلبه اقوام متاخره از بهشت اراق و سلطه
 ممنوع پد بیضایش منلول و قوه غالبیت و خالقیت
 کله اکتش کنون و مجهول قدر و منزلت شریعه قریش از
 انظار ستور و محبوب و فیض سنیانش از جریان و سربا
 متوقف و ممنوع حقن مقدراتش با چال و سلوب
 و در ابط ضروریه منویه اش منقسم و مقطوع در این
 مدت مدید بیگل زیبای ارجال تقدم گوی در آتش
 نرودی سوزان و گوی بظلم و ستم فرعونی معذب
 گوی بدست علمای دین چون کربستین بر کین مقهور
 و مصلوب و گوی در دام ناقصان جسد چون بوجمل
 حدود وجود گرفتار و فیه بقدر غضب سلطانی منصوب
 و وقتی در بساط اقطاب سیاست و رجال دین
 مننون و محکوم دمی طعمه شمشیر پادشاهی جبار و قدر
 و دمی بدف طعن و مغزایات اصل او بار و انکار
 وقتی مورد استنزاز جهل قوم و سفله نام و دغلی معرین

بجاست عنیفه و لطافت شیده و دسانس خیمه از جوین و عوام
 بشکامی ذیل کبرایش با قایل و ابا طیل اولوا اللذین مغسبه
 و شکامی زلال تعالیمش بکلمات حلیه و اقوال افکیته
 بیو فایان مکر در استدای ظهورش بیشتر از تیش در عین
 شباب و ریحان جوانی جام زهر آلود بلیات با نوشید
 و نمی تبعید و تحقیر و زجر و توبیح و تعذیب و تعذیر را از دست
 علمای رسوم و حکام ظنوم و جهول کشید بیگل الطف
 اعلایش را دست ستمکار در هوا بیا و بخت و سینه
 مطرش را رصاص اولوا البغض استک ساخت و
 عاقبه الامر بطلوبت کبری چون سیخ سیخ علم شهادت علمی پاک
 و ابر افراخت فیه انصار و ثقات اصحاب و عامیان و لبرش
 در غزوات و حاجت خویش هر یک تا آخرین نفس ثبات
 و استقامت نمودند و از مال و منال بگذشتند و
 چون سبید و مولای بزرگوارشان بیالت و انقطاع
 مخرج العقول ره جانفشانی نمودند و خلعت قربانی دور بر نمود
 شارع قدرش از زخرف دنیا بگذشت و ثروت
 و عزت ظاهره خویش بر بخت و ره غربت اسارت

دولت فاعله کرمیت محکم نمود طيور لیل بحرکت آمدند
 و خفاشانی پسند از حشرات ظلمانی خویش قدم بر سره نشود
 گذارده قدم مبارزه با آن کوبک نواز نمودند ارباب
 لواقع نقض شجره ثابته را از شش جهت اعاطه نمود و
 سسوم مسکه تقاق با اثر قلم نکند عهد و میثاق در
 کل آفاق منتشر شد این زو بینه عظمی خیان محرک عرق
 عبیت جمال شد و حکام ارض را در بوج و منظر ابی
 بیداخت که مستوانی چند بگم آن جار سفاک و جالس
 بر آریکه ظلم و اعتساف ابواب قلعه محسنه حکما بر وجه
 البهائم سدود شد و بیگل نازین میثاق در سجن
 مشین بر آفاق قلعه بسند گردید بقعه مصیبا در عذرات
 محاط و ممالک عظیمه غوطه در گردید و خبار نیره عنوم
 و اکدار جامعه مؤمنین را در اقالیم و بلاد فرا گرفت
 تا آنکه رفته رفته با اثر ککک دائم ابجولان مرکز جسد و
 پیمان و قوه بازوی آن حامی و ناصر قوه تابان طوقا
 انقلاب نسکین یافت و ککک جناق از آن گرداب
 هولناک برید و باطل امن و امان بر سید عنوم

کشفه

کشفه شک و از نیاب از افاق قلوب شکاشی شد و
 کوب در می میان در آسمان خاور مشرق و متسلما
 گردید انت نکست مسوخ شد و عقده نقض
 منسوخ گردید و لغات مسکینه ثبوت از سبب هوب
 یاران محتمن بوزید چندی گذشت که آن قوه دافعه
 از لیه که در هوبیت میثاق المی قلم اعلی و دینه گذارده
 و در اقالیم مشرق سجات اصل فوز را بکلوه فی عرق
 نموده بر قوی جدید بر افاق غربیه بیداخت و انگلیس
 جلینه از آن در دماش و مراکز با اثر در دو قطعه اروپا
 و امریک منطبع گردید لیست حیرن میثاق در پیشه
 حقیقت غرضی بنمود که از مهابت فریادش رو بهان
 نقض و تعالیب نکست در میادین مشرقیه پراکنده
 و منصف گشتند و سکان دامن غربیه از خواب
 غفلت بیدار شدند علم یا بهار الاهی بدست
 رسولان حضرت عبد البهار در عواصم فرنگ منصوب
 شد و ندای است از افریب بلاد مرتفع گشت و
 رنه در عظم مدن عالم بیداخت و دران مراکز نیت

علمی

عظمتی اصبح افتد از حضرت عبدالبهار که س اعظم
 اکبر کبیر بود اولین بعثت مجتهد برگزیدگان کبریا
 قاره اروپا و امریکای استرام کعبه مقصود
 و از مغرب اقصی بسوی بقعه بیضا شتافت
 چنین هیئت بر ازنده فی درب طر زدنیا نیا
 احزان را دفعه واحده در رسم سجد و استسقاء
 در زاویه نیسان مدفن ساخت طولی کنش
 انقلاب عظیمی در دینش گیره برپا شد و بر طبق
 البته ارکان استبداد منزع گردید صاعقه تقوی
 از اوج کسبر بر امیر کبیر را بمق زدنای مؤبد
 و سرفالیت قلب دایره میثاق بر عا فاش
 اراده سینه بر اطلاق مجوسین و یقین تعلق کرد
 و فرمان آزادی صد دریافت طوق مجوس
 از عنق عبدالحج آبر نفع شد و بگردن عبدالحج
 پدید نیفتاد و رقابا که جودیت از تنگنای
 بر رسید و با قایلیم بر سمت ام غربیه پرواز کرد
 بر شاخ آن شجار با سق در آن ممالک مستعد

نغمه

نغمه و ترانه فی بدیع برزد در صوامع و مجامع و کنا سس و
 معابد کلیسیان و مسجیان و اسلامیان و مسیعیان
 نغمه یا بهار الاهی بر آورد و اثبات خفیت الوهیت
 بفرمود و حقیقت رسالت نظامی قبل با بدلائل
 فاطمه عقلیه مدلل و برهن ساخت بسط دعوت
 در عرب اگر دو نقش حیات در کالبد پر مرده اسل آن
 صفات بید مبادی اساسیه حضرت بهار الله را
 علی رؤس الاشهاد تبیین و تشریح کرد و احکام
 سنن شرح بدیع را در جمیع مومنان تفسیر و ترویج
 بود آن نغمه و آهنگی که سالها در روزای خجروش
 میخورد بفضول کمان در کمال آزادی گوشزد بیگانه و
 شناسانمود و منظر و منصور آشکاره قدسی پس از
 طبع و ایصال پیام صلح و سلام از اند بار با شیبانش
 است کرد و در ارض میباد و جوار صد بقه غلبا مسکن
 وقت سر بر آستان تربت بهانهاد و در سینه
 از نغمه غما بار مید و از غما اسفار بعیده پرش
 است و آرامی بحبت و در سنین جنگ ایام باقیه

جات

جاست بر انقلابش را آن بسبب خوش امان تا تقرب اخیر
بنده سسرالی در گلین امکان و ساز بود تا آنکه آبنگ
وطن اعلی بود و در گلزار ابدی حکومت اعلی بجال است

بیوست

ای برادران و خواهران روحانی آنچه ذکر شد
و بقلم تحریر نیست گزینته ای از باران بلا که حال
منجا و زانرا شتا و سال است از سحاب فضا نهاد با
سزای بر سگان فلک مجرای باریده و نهالی یوسا نذا
در بعضی از ممالک شرقیه لایق قطع در طغیان و زلزله
است حال نظری بحالت حاضره امراته اندازیم
و با اثرات و نتایج این بیات پی بریم و اندکی در
حوادث کونیة اخیر و انقلابات داخله و خارجه
جامعه بحال بیان تفکر و تفرستیم و در موقف حالیه
و مراحل پیوده و باقیه اصل بهانمین و تامل کنیم
و در تصرفات مجرای عقول بدینسی الهی بنگریم و
عبرت گیریم در این سنین سبب از زمین افول کوب
دری بسنای از چیز ناسوت و بزوغ و لغاتش از

افق

از افق لامکان اصل عباد و بعضی ممالک کاتبین معهود
اسیر و در بعضی از دیار بد فاع و اثبات و تحصیل حقوق
مقدسه مدینه خویش مشغول و در بعضی اقالیم با کلیل نصر
و ظفر مکتل از جهتی سیل بیات در مشارق ارض منهر
و از جهتی بوارق اولیه اعلان استقلال حضرت به آذانه
در آفاق غربیه نمودار از جهتی مهمه و مدینه علمای
رسوم است که در اثر کشف نقاب سار و وجه امر حضرت
رت الارباب کاتر حد القاصف بگوش اصل هوش
منو فصل و از جهتی لمعات جلوه عروس معانی در
خلوتخانه قلوب امراد ملوک است که از ورای
خیوم غلیظه بلا کالبرق انخاطف لامع و لایح پروان
بمال ابمی در خطه غیر آریک چشم از وقایع مؤله و
رزایای ستمه گریانند و بپشی دیگر تابش برین
و طفوانین نازنین را نگران اگر ذی بصری بیده وقت
و انصاف بسون داخله و خارجه جامعه امرالمی نظری
اندازد و در وقایع سبیه اخیره تفرسی نماید منتجب و حیران
گردد که این چه هنگامه است و این چه دلوله و شور

و آشوب

و آشی که علامت اولیه این رستخیزان عظیم الهی
 در اولین قرن دورجهائی برپا نموده و این هم
 زلزله است که در ارکان کعبان و ارواح
 جهانیان افکنده از بهمن ندای خطه قفقاز است
 که باه و چنین مبارز است و از نیران شده اند
 و تضییقات لاتعد و لانهی در سوز و گداز و
 ضیج فادمان حضرت رب الارباب است که در
 آن محیط بر انقلاب مغلول الید و شخض ایمن احد
 و بر طبق سیاست حکومت قبه خویش از بسط و نمو
 و توسعه دایره خدمات خویش ممنوع و محروم و از
 سستی استغاثه و این پروان نیر آفاق در دین عشاق
 است که از تنایج صدقات و لطات و من و آفات
 در اضطراب و احراق و تضرع دراری مجاوران
 اولین مشرق الاذکار جامعه بهائیان است که در زند
 اعلیق بیانش مرتفع و اخیراً در حوزه ملکات حکومت
 و جنس و مرفض لطات و مخاطرات واقع گشته
 و از جهتی ولوله باستان و مبارزان میادین امریک

که

که بندهای هلمو با بنا با معشر القفلا قدر فضا برقع لسنه
 عن وجه شریعه ربنا البهی الاهی مترجم و نموده صاف
 علمداران عرب منطوم است که از آن اقطار
 شاسه باذان سکان ملا اعلی منوأل چه
 که بوضع دستور بهائی و تقدیم آن با اولیای حکومت
 مرکزی و تکمیل اعتبار نامه رسمی از نصاب عالییه
 در اقرار و اعتراف باصالت و استقلال شریعه
 بیت حضرت بحار الله و تائیس اوقاف
 ملی بهائی بنام اعضای تسعه امنای محفل مقدس
 روحانی مرکزی موثق گشته اند و باین صلاهی جان
 انشاء در جامعه اتباع امر بهائناوی تعالی
 تعالی شریعه المقدسه السمه البیضا قدومت
 و شاعت و حلت و استکانت من العالمین
 و از جهتی صبحه یوم ربهیب فصل و استقلال آمین
 حضرت ذوالجلال است که از بحر مضرمان معانی
 رسوم در آن سامان مرتفع و دفرع شده اند
 گوناگون است که در اثر اعلان انفصال شریعه

جدید

جدیده بنفیس آرزوسن قیومه قسبل در جامعه یاران
 آنرا تسلیم بیدار و از ناحیه بی خسته سقوط
 و بهبوط و انقراض و انحلال دوار که ظلم و اعتدال
 عرش سلطنت و کرسی خلافت عثمانیان است
 که سنین منوالیه است در نقطه واقعه فی شام ط
 البحرین استقرار یافته و انواع بلا یار زیا که بسکل الطف
 اقدس جمال امی و حضرت عبد الباق و ارد آورده
 و خطاب قسریه " در دستقر علیک کرسی
 الظلم " مخاطب گشته و از سمج جمله بحسب بیان
 عراق و مهاولان بیت کرم نیز آفاق در مدینه الله
 است که ای محبتان جمال قدم به نیروی یزدانی
 و هدایت الهی صیت بزرگواری بیت اعظم را
 با علی المقامات در عصبه ام رساندیم و لاسمه
 کافی با مسره فی در کشف حائق این قضیه و اثبات
 مقاصد عالیه و بسط تعالیم بهیه بهاییه دست مملین
 دول عظمی سپردیم و احقاق حقوق مقرر معلومیه
 خویش را در پیشگاه آن بیت مجله که پیشوای محکمه

کبرای

کبرای الهی است طلب نمودیم لیتفضی الیه امر آکان
 مقننیت و از طرفی صوت تهلل و تسبیح و
 شادمانی عسیر زبان ایران است که از انجا و اکتفا
 آن صفح جلیل باوج آثیر متصاعد و سپاس و شکر
 آن ستمدیدگان ره یزدان است که در اثر این
 نصبت جدیده بلا مکان مرتفع تعالی تعالی ربنا
 المغنت در الهی الباسی الابی با تنفس صبح مهدی
 و فاحش نمت انجات و لاحت نباشیر الا شفا
 عن خلف سبجات البلاد و دلج دکت الامر و
 انشرت ملائکه العذاب علی منابر اهل الارباب
 و می زوت با جنت علی رؤس علماء سور احسین
 قد اخذتمهم زبانیة اللیب من لدن مغنت من عظم
 منبر قمار و ان هذا ما وعدنا به مولانا فی التمر
 و الاعمصار من فیه الدرری الصادق الطاهر البدیع
 لینه العترة من قبل و من بعد ان الله علی کل شیئ
 قدير
 ای جسیبان با وفا ملاحظه در حوادث و تغلبات

و مشون

و متارن این حوادث فحیبه الیه انقلاباتی بجا آمد و اصل و اتم
 در کینونت تمت حضرت سید الانام که امیر مومنان و علمای
 اخلاص از آندهضای این حضرت بزدان بودند آشکار و نمودار
 گشته و در صفحات تاریخ بخلاصی مسطور و مکتوب شده
 چنانچه ملاحظه نماید انقلابات ارضی را که در آن وقایع مملکت
 متواینا بر فرد ظهور نموده و بیگل کرم جمال قدم بگذراند و امورش
 از بدایت ظهورش الی جن صعودش باقی ای گوی در
 بلدانش اسیر و گوی در برابرش سرگردان گوی همدندش
 سببون و گوی در قلعه محبتش محبوس و در فضای چند
 از نقطه نقطه بی در عالمکش نفی و سرگردان گشت در بدآ
 از ولایت عراق بدرینه کبیر و انتقال یافت و مره افری
 از حاضره کبری بارض سیر و اخیرا بسین علم در مدینه حکما استقرار
 جست و از آن حسن بنین منهای باطن و کماضین بند و طبعین
 بشتافت و حضرت عبدالبار بنجام سال از عمر گرانیش را
 در تحت حفاظت حکام جهولش گذرانید و در هر روی علم مبار
 که از صد هزار شهادت نجز و موجب تر بود از دست آنان
 بچشد حال ملاحظه نماید هنوز هشتاد و سه سال از یوم ظهور

جمال

جمال ای گوی گشته که انظار بهائیان بگه عموم بهائیان
 بتاثرات مولد آن بیا و تصرفات محیر العقول آن
 میسر جبار در آند یار منوجه گشته و انقلابی که شبان
 در تواریخ همیشه ملاحظه شده در قلب آند یار احد است
 شده بدشیت آکتبه در این صحر که نقشه اعصار و قرون است
 از خود تمت اسلام شهن با سلی مبعوث فرمود و از شراد
 عثمانیان نفس مقتدری برانگیخت و بقوه بازویش
 سلسله آل عثمان را ازین برانداخت و امر او ارکان
 آن خانواده سلطانی را در بسبب زمین مفلوک و سرگردان
 کرد اباسس سلطنت برسم زد و شوکت و اجمت
 و سلطه قاهره و زینت ظاهری اش محمود را اکل نمود
 بساط خلافت را از اهل اهل در هم چید و نقیض معنوی
 روحانیه اش بود کرد و حدت اصلیه سواد اعظم
 تمت اسلام الی ابد الله هریم و مخمل گذاشت و بدر تفرقه
 و شقاق را در بین اهل سنت و جماعت در عالمکس بر تبه
 بیفانند شرح مبین حضرت سید المرسلین را در آن
 سر زمین منسوخ کرد و انعام ابطال محاکم شرعی را

بر بجان

و مشهور عالیته کلیته و در نیت ممالک ترکیه نماید
 که چگونه مرکز خلافت عظمی و مرکز سلطنت کبری
 اعدا و جمال اقدس امی و مرج سواد اعظم
 امت حضرت خانم الانبیا در این سنه
 اخیر منقلب گردید و قلش منکوس گشت
 و قابض منقلب شد و اجنت و جلالش رفت
 سپس نظری بود تا بحال تا که همیشه در قرن اول میلادی
 حضرت روح اندازید و انقلابات عظیمه ارض
 فلسطین را در آن ایام بسا و آری در بلایای و اوار
 بر حملای ملت حضرت کلیم در مدینه اورشلیم که مرج
 اعلای بنی اسرائیل بود تکرر نماید و با حوادث
 حسیه اولین قرن بمالی تطبیق و مقایسه فرمایند
 و فی ذلک لعیبره للتفرسیس همچنانکه در اثر صدور
 قوای کابین اعظم بود و تحریک علماء و فقهای
 ملت اسرائیل حضرت روح پس از تحمل بزایا و صدقا
 و زجر و ستم و انواع عقوبات در کمال مظلومیت
 مصلوب گشت و کاس شهادت بنوشید

و در صد سال اول میلادی منتقم قاتل از حبس شربت برقرار
 برون آورده و او امپراطور عظیم روم با نوابی جسی برادر بوی بعد
 مرکز سنه کاران و دشمنان صیغ معلوم و مصلوب بکنار و
 بمحاصره قلعه حصنه آنان و هجوم مشین بر دیوار بغداد شریف
 ولایت کرد و تجزیب و تدمیر بکل کرم و در سراسر افغان
 و بنالان و تاراج کنان و مینه مرغوب آن و بقتل و غارت هم
 قضیری از کلیبان امور ساخت و بین مدت شریف
 در شش سیلها از اقامت صفا بنود و بعد عده و اصلاح
 او تان و شمال آله روم از ایران کین مندر پس از
 و بنیت استیفاء را در ارضی بلاد عالم جان می و بنیت
 متشت نمود که االی دست از اهل ارضی دور
 هزار سال با وجود مساعی مبدوله و مجرور است نمایان
 و تأیید و معاضدت حکومت فائزه آن در مدت
 اصلیه و نفوذ کلیه وجهت جامع و سلطنت ظاهر
 بجای مفقود و اعاده آن در انظار همی اینست کین و
 بنورین عبید المرام بکده فاطمه الاستیفاء مصلوب گشت
 در این کورا عظم المزم و در شریف کرم حال هم سلطان

بر بنگانه و آشنا اعلان نمود تغییر و تبدیل و تعدیل منصوص است
 کتاب حضرت خاتم الانبیا را با جزو مشروح مشهور و الحکام
 جدیده مدینه مقبیه از مواضع مالک فرست بجایش تشریح و ترویج
 کرد قوای سیاست را از نمایندگان امت اسلام منحل
 نمود و علمای رسوم را دست از وسایط عزت و منصب کوتاه
 کرد موقوفاتش را بجز و تصرف نمود و ابواب تکایا و
 صوامعش را بابت تائید الحق تنادی کل الاشیاء و من
 در آنجا خائن امکانات و هویته الموجودات صدق الله
 ربنا آیات البیئات و تم ما نزل فی لوح البرهان من
 قلم اسمعان خطابا لجمهور العلماء فی الاسلام و من در انهم اولی
 الفرقان اجمعین بان " یا معشر العلماء بکم اخلا شان الملة
 و کس علم الاسلام و تل عریته لعظیم کما اراد و میز ان بینک
 بایر تفریح بشان الاسلام ارتفعت عن ضاکم بذلك منع عارا
 و بقی الملک فی خسران کبر " یا طای الفرقان قدکی
 محمد رسول الله من حکم انتم الذین اتبعتم الهوی و امرستم من
 الهدی سوف ترون با فعلتم ان ربی لبالمرصاد
 " سوف یرفع الله اعلام سلطنته فی کل دینه و تنهدم آثار

الذین کفروا به يوم الحساب ای جنود منصوره جمال
 ابی کثره آخری نظری بوقایع اخره در آن مدینه کبیره
 اذ از میان او دنده دقت را مان سطر معطوف سازید
 و تفکر نماید که چگونه مشهاب ثاقب غضب و سما الکسی
 هنوز از افق آن تسلیم متواری نگشته و اراج فیرت
 آن منتقم قیارت کین نیافته و گرد باد انقلابت جسم
 در آند بارخرو نشسته که نگاه اصابع متحرکه بجگانه نصرت
 و بنده آسمانی از پس پرده غیب متولد گشت و آیات
 باهر است فتح و ظفر المکی بر لوحه شرح بر انقلابت با بیان
 آن ملک بیگانه است و بنده قید با بیان آشا مان را
 با سبانی بجز العقول شره آن از من و اقالیم جاویده بود
 در آند منهدمه مطوره دعائم اولیه فخر مشید مشربانند
 نظریاست عالی حکومت جمهوری ترکیه در منع از تبلیغات
 مذموبه و قلع و قمع انجمنهای سستیه که بعنوان نزدیک کتب
 بدینا نس سبایسته و تحریکات عارجه و تولید فتنه و آشوب
 داخل مشغول و بالوفد بیعت نقیبتی از طرف انسانی
 دولت تعیین گردید و تمام قوی بر نفس از حال و موقف

بها بیان آنسان برخواست و امر بوقت نمایندگان ایران در
 مدینه کبیره و نقاط دیگر از مراکز امریه صادر کرد و آثار را به دوازده
 خطبه جلب نمود بیوت و مسکن آن شهین معصوم را تفتیش کرد
 و آثار و شربات امریه را تسلیم ولایت امر نمود مجلس مستنطاق
 بر پا کرد و در مجلسانی چند از مقاصد و مکتوبات و مخابرات
 داخل و خارج بهایان در کمال وقت مستفسر شد پس
 محکمات قضیه بهایان مراجع شد و در اطراف و اکناف
 مملکت بتمام محرمین برآمد تفصیل این عاقله انتشاری سریع یافت
 در این بین در ضمن اوراق مضبوطه خطبه های مینویسید حضرت
 حکیم و مانبا و رساله خصوصی او با نسیای محل روحانی مدینه
 اسلامبول بدست منتقین دولت پیدا و نایب و معاخذ
 چنین ضد قوی غالبی در جامعه امر بساطت و محاکم را اجتهت
 و جلوه فی جدید بداد نمایندگان امر الکی در آن مدینه آن نفوس زکات
 شجیه طهر قیامی عاشقان نمودند و بساعت مهمای رسمی خصوصی
 آنان و فاعبتی مؤثر زمین و جامع در اثبات اصالت استغفار
 و همیت و جامعیت و لزومیت این حضرت بهار آمده و
 انصالش از ذهاب شبهه حقیقه قبل از لسان جاری نمودند

بشأنیکه

بشأنیکه در نفس آن برآمد و فتنه نازیه تفصیل این قضیه نبوی است
 و برانت و شرافت و بسالت پروان آیین حضرت استعدت
 در نزد عموم خلق محقق و مسلم گشت و جهان را بهیستی بیافت که
 نه فقط در قالم مجاوره برآمد آن ممالک و قایم این قضیه را از
 یکدیگر اقتباس نمودند بلکه ولولت این عاقله غریبه رتبه در افاق
 غربیه پیداخت و در علم برآمد عامه دولت بیت انگلیز
 این قضیه مندیج گشت و وسیله تبادل اخبار و کشف
 و بسط حقائق امریه بین ارباب برآمد و وجه باران در اقصیم
 انگلستان گردید و این اول محاکمه رسیده است که در ممالک
 شرفیه در تحت نظارت ارباب حکومت و در دوازده
 قضایه مملکت حقیقت دین الله و اصول شریعت الله و
 تعالیم و مبادی امر الله علی رؤس الاشهاد مطرح مذاکره
 و مباحثه و مناقشه و محاکمه واقع و نتیجه مطلوبه با نمودن آن
 حاصل ای عزیزان حق بیان حضرت علیه السلام
 در اظم ساعات جانش باو آید در کجوه انصاف و حسیبیکه
 با سوسان و منتقسان دولت قاهره بیت مبارک است
 اعطاء نموده و گفتگوی نفی و نهی و سبک میل میانی بغیران در

السن

الن و افواه انام متداول بود این خطاب خطاب مغلوبان
 لافان سده استنی بکک شرار برش صادر " ابریم است
 عظیم و مقاومت و مباحثه علی ام شدید است شدید
 مغرب غمزه قبائل اربک و اربک و فراید فزنگ و تابیک
 و مالک هند و امت همین از دور و نزدیک بند شود و کل مجمع
 قوی بقاوت بر خیزد و فارسان میدان آبی شایدها از
 حکومت ابی بقرت ایقان و جند عرفان و سپاه پیمان جند
 ممالک مزوم من الاحزاب را ثابت و آشکار کنند
 و ایضا میفراید سبکشنافض باذن الله من وجه الامر
 و یسطع هذا الشعار فی آفاق البلاد و یعلو معالم الدین و
 تحقق ما یات زکیم المجد علی الصبح المشید و یتزلزل بنیان
 تشبیهات و یشرق شهاب الطلقات و یشرق انوار الایات
 حکومت الارض و السموات اذ از ترون اعلام الاحزاب منکونه
 و وجه الاعداء منسوخه و احکام رؤسای السوء منسوخه و المؤمنون
 فی فرج عظیم و الکفینون فی خسران بسین "
 حال امی برادران و خواهران روحانی دور دور ایستاد
 و زمان زمان نصرت و شادمانی عزیزان آسانان بایست

بزوغ

بزوغ آفتاب ساد و شایده است و بنا بر عصر غروب
 موعوده آن ستمدیدگان اگر در ممالک بجا نمان
 بپوشانار غلبه و ظهورات مالک و ششونات غریبه ظاهر
 و نمودار گشته پس در وطن اصلی مجال قدم و اسم
 اعظم که بنفش صریح در کز خدا قوم حکومتش محترمترین حکومت
 عالم و ابناش منبوط و محسود اقوام و امم کردند من بعد
 چه خواهد شد المنتهیه که با براده ازلیه و سبیت
 همیشه مالک البریه آن روح غالبه آئینه که بنظر مجال قدم
 و قوه اسم اعظم در کالبد آن اشکال کلام دیده شده
 حال در کینونش این نهضت جدیده که وجه ایراز انقلب
 ساخته تخلی و اشراق نموده و در مجاریش سر بران یافته
 و شجره امیه انظلموان پس از ششاد سال صبر و
 انتظار حاجت ثروتمند بخشیده عقاید خرافیه و اودام
 منسوبه و تعصبات مذموبه یک یک در ظرف
 زوال و انوار دینیت و اثرات مهم حالیه رجال
 دولت از هر سستی نمودار و سائل امنیت و آسایش
 تحت شید خافراهم و اساس نظم و ترقی مملکت است

بستم

و مستحکم اصلاحات و حسنات و عبادت و جلوه و ظهور
 و آثار و مکارم و روحین تعالید و او نام منهدم و
 مظهر مشروعات مفیده و مستنوره در تشریح و تفسیر
 و تهیدات اساسیه و مستفاد من ملت از قیود
 اسارت و جهالت در ترویج و تقسیم علمای روم
 در پی تعلیم گرفتار و در گرداب فنا غوطه ور
 و فقر و سستی و محنت و شعار الله سبحانه
 بر خاک نداشت بختاد و ضعف و محکشان
 بپای قدرت پراکنده و پرباران شد
 دست نظام و لشکر کوتاه شد و محبوبیت و
 مغربیشان بخندان سردی بدل گشت
 اهل بسا از دام اصل خنجر میزدند و عداوت
 نصرت و نجات از دست آن منقذ قنار میشدند
 و نشست شل دشمنان دیرین را بیده و حضری
 شامه نمودند حال باید نهاد بان اسم
 اعظم و دلدادگان امر حال قدم در آن اقلیم
 کرم بسکرا نه این مواهب و الطاف کما یسئلی

و یسئلی

و یسئلی قیام نماید و هر یک مرد میدان گردند
 و بقوه اسم اعظم فتح دامن قلوب نمایند
 و بقوه بیان و حسن سلک ثابت و برین
 نمایند که این نصرت جدیده بر توی از آن جلوه
 زیباست که هشتاد سال قبل در قلب آن اقلیم
 از پسین پرده غیب نمودار گشته و این
 اصلاحات عالیه و مشروعات عظیمه و ظهور آن
 و پروازات جلیه منبسطه کل قیامت و شمه از آن
 روح قیامت است که در این دنیا در عروق و شریان
 آن ارض نباض است و آنچه در این ایام از
 فرعون اولیه و امینه علیه السلام در آن اقلیم
 در تمام اقالیم عالم محسوس است اول
 اثبات جاویدت و عمومیت آیین حضرت پیرا آمده
 است باید باران آسمانی و انشای محافل مقدسه
 روحانی خصوصاً عیناً و منفرداً قولاً و عملاً قلیاً و غالباً
 در امور عزیزی و کلی عمومیت آیین جهانی را اعلان
 و اثبات نماید و چون شدت خاد و اثره امر الهی

و یسئلی

و سبج گردد و صیبت و سلطنت جامعه امر
 الهی مرتفع شود و واردات صندوق ملت
 از دیار یابد و مشروعات جدید مستزود
 مستعدده بقوه بازوی بهائیان تاسیس شود
 و روابط متبینه با اولیای امور ایجاد گردد
 باید یاران الهی در خیرات و مبرات
 و ترویج منافع عمومیته و تقدم مصالح جمهور
 از جمیع طوائف من دون ترجیح و استثناء
 سبقت از کل یابند و مشار بالبنان
 گردند ابواب مدارس و معاهد علمیه
 و ادبیه خویش را بر وجه اطفال و جوانان مسیر
 بهائی که محتاج و فقیرند مجاناً باز نمایند و از
 صندوق خیریه محل خویش منکوبین و محتاجین
 از تمام فسق و فحل و ظل اعانه و مساعدت نمایند
 و مشروعات کلیه دنیته که هموطنان خویش
 در آن تسلیم برور ایام تاسیس نمایند علی قدر
 معلوم مشارکت نمایند و معاوضت و

مساعدت

مساعدت مالی و ادبی مسرد و قیام کنند بلکه
 خود بهیبت بهائیان نیز پس از تصویب انشای
 محافل خویش و تهیه وسائل کامله و در ظل احکام
 و قوانین حکومت متبوعه خویش در کمال تسانت
 مستقلاً مباشرد و مؤسس این گونه مشروعات
 و مؤسسات مفیده عمومیته گردند و در ترویج
 مصالح حقیقیه ثابته جمهور حسب بلوغ مبذول ازند
 تا در نظر آشنایان و بیگانان ثابت و بهرین گردد
 که بهائیان ناظر بحقیقت میشوند و از
 نظامات و مقبولات مذموبیه فارغ
 و آزاد مروج اصولند نه اسیر اسام و رسوم
 محبت عالیانند و خدام صادق حقیقی آن
 وطن محبوب مظهر افت کبرایند نه تابع

استقام او نام
 نامی انتم معارف و ترویج آداب و شعار
 و احکام بهائیه است باید بقدر بقدر در
 این ایام که ملت از خواب غفلت بیدار گشته

و حکومت

و حکومت در فکر ترفیع و توفیق مؤتلفات طلبیه
 خویش افتاده نمایندگان بهایان در این کتاب
 بیان قیامی نمایند که با هم عالی آنان در هر
 قضیه و بلده ای از کافه ایالات و ولایات
 متبذرات اولیه از برای تأسیس معاهد علمیه
 و ادبیه و دینیته مجری گردد و اطفال بهائی
 من دون استثنای مبادی فراغت و کتابت
 بیاموزند و با آداب و رسوم و شعائر و احکام
 مخصوصه کتابت مانوس و آشنا گردند و در
 علوم و مبادی و فنون عصریه و اخلاق حمیده
 زکیه و آداب و شعائر بهائیه جهان ممتاز از
 سایرین گردند که هموم طوائف از اسلام و
 زردشتی و مسیحی و کلمبی و طبیسی اطفال خویش را
 بطیب خاطر و محبت تمام در آن معاهد عالییه بایست
 گذارند و بدست تربیان بهائی سپارند و همچنین
 امر اولیه احکام مخصوصه کتابت است
 زیرا قیام این امر خود بینه این عناصر مختلفه که در

محل رایست الهی محسوسند و بحکام و الفت دار شایسته
 بکارگی نماید و کافل و ضامن بوده است هیچ اصل
 بها گردد و آیه الایمان بسیار بهایان را از اصل
 طوائف عالم غایب و ثابت نماید و در کلیه امور
 حدود است و سنن و احکام و شعائر و عقاید
 مبین و مدینه نقطه و کشوری باید باطلاع و نظر
 و دستور العمل انسانی محض مرکزی آن اقلیم باطل
 ز غمار زخار اجامی الهی و آثار الرحمن در این ایام
 بر انقلاب از مضراط واضح مستقیم احکام الهیه مشرف
 شوند و ثابت شده اند مقلدان و نو پیوستار
 نمایند خلع تقدیس و تنزیه را از تن بپندارند
 و ثوب رفیث را که بلوث مستیات عرب
 ملوث گشته مژدی گردند از مصالح ظم اعلی رویتانند
 و بنو همت و مبادی سقیمه اعلی بوسن و بوی نوبه
 و تبایل نمایند ظم اعلی اهل مینار را این برای اعلی
 نصیحت مینمایند و این امر را در این ایام
 این لایحه و زواجرین حله و این امر را در این ایام

بفرماید « وابداجزنی وکلی در امور حکومت
 داخله نمایند » تاویل و تفسیر در این مقام
 جائزند و الا جمعه امر با انواع مشکلات و صعوبات
 گرفتار گردد و همچنین ابراز شایسته و
 شایسته و تمکک بقائد روحانیه و جدا نیته
 خویش در انظار ارباب حکومت از فرود
 حمیت و نیت بهایان است بی با اثر قلم
 اعلی و بناگید است صریح بشده صادره
 از کنگ مرکز میناق جمال انجی اصل بهای امور
 باطاعت و انقیاد دولت قیوم خویشند
 و اثبات صداقت و خیر خواهی خویش نسبت
 باولیای امور مراد این است که در امور اداری
 که تعلق بوقایع و تشکیلات امریه از قبیل
 انقیاد مجالس عمومی و جلسات محافل روحانیه
 و بحثهای امریه و امر تبلیغ و تاسیس صندوق
 خیریه و تشکیک مدارس بهسایته و نماز
 و مراسلات داخله و خارج و طبع و توزیع کتب

و آثار الهیه باید بهایان در جمیع اقطار عالم
 کلا و کسبه امن و امان استثنای در این امور مطیع و
 متقاد او امر قطعیه و استمرار ای صادره از مصاب
 حکومت خویش گردند و تسلیم شوند و بعد از
 نام اجراء و تنفیذ حکم حکام خویش را نمایند
 و راس شمره لی انحراف و تجاوز جائزند اند
 ولی باید در عین اطاعت بمت تبلیغ و مسی ستم
 بوساغی مشرود و مبدول دارند تا اولیای حکومت
 محلی و مرکزی تسلیم خویش بصرافت طبع و طیب خاطر
 تخفیف و تعدیل و تبدیل احکام معززه خویش دهند
 و اگر چنانچه مسامی مبدول بهسایان توجیه و تری بخشید
 باید کل سر تسلیم دهند و بجل اصطلح تشکیک
 جویند و توکل بر حضرت مسبب الاسباب
 نمایند و کمال تقبل و اقبال از نعمت در مجال فرج
 و گنا بس سئلت نمایند ولی شک و شبیه
 نبوده که در امور و جدا نیته از قبیل تبری و انکار و
 کتمان عقیده که تعلق باصل امر و عقاید اساسی بهایان

بهائیان در کل اقطار شهادت را بر اطاعت
 مقدم شمرند و ترجیح دهند التفات
 باین امور و تدقیق در این شئون از الزام لوازم
 محسوب زیرا از طرفی غفلت و تمسک آن
 اعمال علت توهمین امر است و جنک غرته در این امر
 و تخیر شریعت است که در او از طرفی تمسک لغیر
 و خروج از حد اعتدال مخالفت نص صریح است
 که باطاعت امر فرموده و اسباب تولید
 فتنه و انقلاب و از دیاد محاسن بیایات
 مؤمنین گردد

رابع لزوم دقت و تفرس در حال تفهیم و
 مصدقین امر الهی است و این فتره همیشه من بعد
 ظاهر و واضح گردد چون یوم موعود در رسد
 و ندای بهائیان اوج گیرد و علم یا بهار الانس بحسب
 اعلیٰ تسلسل عالم موج زند و بدخلون فی دین الله افواجا
 تحقق پذیرد باید انسانی محافل روحانیه که در
 رتبه اولی حامی و عارض و گهبان امر الهی است
 بدقت

بدقت نظر و حدت بصیر و تفرس تام در مقاصد و مآرب است
 مقیدان تدقیق نمایند و مخلص را از مغرض نیز و هشتم
 شناسند زیرا دخول نفس غیر سلیبه که خود را در عالم
 بطرح عاده و منصب و مال و مثال و اسم در رسم داخل
 نمایند و باشم بهائی خود را شریک دانند و با مؤمنین
 مخلصین در امور امریه مشارکت کنند علت تولید
 مفاسد و تضعیف جامعه بهائی و ظهور اشفاق و افتراق
 گردد و مورد شسنت جمع بهائیان شود اتقوا من
 فراتة المؤمن انه یطر بنور الله باید در حق مؤمنین این
 طور اعظم و امنای امر جمال قدم باسنها و اتقوا و
 اکملها تحقق پذیرد ظلم اعلیٰ باین امر و دقیق در الواج
 نصیحه اشاره فرموده قوله عزبیا نه " سوف یرون
 المشرکون رايات النصر و یسعون اسم الله من کل اجماع
 یومئذ یقولون اتانا الله بائنه قل الله اعلم بانی عبده
 العالمین "

خامس توثیق رابطه تفاهیم و تعاون است بین عناصر و
 طبقات مختلفه جامعه بهائی باید افراد بهائیان در کشور
 داخلی

واقف بر تمام قوی و در کمال صمیمیت تمام بر حضرت نمایندگان
 محلی و مرکزی خویش نمایند اطاعت و تمکین قرار نامی صادر
 از آن مراجع عالی رتبه بهائی نمایند و آراء و افکار و
 تأیلات شخصی خویش را در ظل اراده و نصیحت بیست
 مثلین خویش در آورند بساعت و خدمت رسانند
 نمایندگان منتخبه خویش برگزیند و من دون تردید مؤید و نافذ
 و ناصر و ناشر نشریات مثلین خود گردند و بهیئت انبای
 امر الهی رسمیت دهند و شخصیات را در جمیع موارد با استیفاء
 تابع بیست دانند و همچنین محافل روحانیه محلی خود را مشتمل
 در ظل بیست مجلله انبای محلی مرکزی اقلیم خویش سازند و
 حوادث همه و مشورن عمومی و قضایای بکله که موثر در
 مصالح جمهور بهائیان آن اقلیم است مستقیماً بان بیست مرکزی
 مراجعه فرمایند و در این موارد واسطه ایصال اخبار است
 و تبلیغات رسمیه بین افراد بهائیان و انبای محلی مقدس
 در مرکز آن اقلیم گردند و همچنین اعضای محافل روحانیه محلی
 و مرکزی باید از تأرب و منافع و مصالح شخصیته فردیه
 خود بیزار و در گذار باشند و نظر را حصر در ترویج مصالح

جمهور و فوائد عمومی و پیشرفت جامعه بهائی نمایند در
 امور مشوره ضمه نموده گفتش و تمسک نمایند و بعدل و انصاف
 حکم فرمایند در امور موجود در کمال صراحت و صداقت
 و عدیت مشورت نام نمایند و در غا کرات و مباحثات
 کل من دون استثناء مشارکت کنند و پس از مشورت
 کامل منتک حکم اکثریت گردند و تصمیم قطعی بنمایند و
 پس از تصمیم من دون تأخیر و تردید در تنفیذ واجب
 قرار نامی خویش است بیخ مبدول دارند تا بدین
 وسیله کسب ثمره و هما و جمهورت بهائیان نمایند
 و استخفاف و قابلیت خویش را در مقابل اطاعت
 و فرمانبرداری انبای اول وقت ثابت و آشکار سازند
 و همچنین اقوال مثلین امر الهی چه مثلین ثابت و
 چه مثلین سببار باید بسط حقائق و مبادی و احکام
 الهیه را نماید در حسنای مملکت محافل
 روحانیه گردند و اقدامات و اجراءات
 محافل روحانیه باید مثبت و مؤید دعوت
 و دعای مثلین شود و الا اقوال مثلین را اگر محافل

روحانیت در اجراء است خویش تنبیه نماید
اثر و اثری نباشد. مسکوت و روشن محافل روحانیت
اگر چنانچه تعلیمات بیته صادره از نسیم سلیمان
تطبیق نشود سقیم و عقیم ماند این است بهر
بهائیان این است مسکوت روحانان
این است ضامن و کامل وحدت جمیع مؤمنان
و الروح و البهار و النور و الضیاء و التیمة
و الشفاء علیکم باصل البهار و علی من یعینکم
و محبتکم و نصرتکم و علی کل

قبل مستقیم
جانوری ۱۹۲۹
بنده استغاث
شوقی

فردا درگاه بنده استغاث حضرت عبدالباقی شاه
عبدالباقی استغاث نمود بناریخ ۹ غشت ۱۳۰۸

اجبای آتی بر او دان و خواهی بر او خانی و کسور
و تقاضا با و ترکستان و اقلیم صحرانند و ستان
و بریه نیشام عجم آفتاب تیره و آفتاب
نماید

یا شاعر محبت الوداد و محبتکم من هذه البقعة الرقعة المظلمة
یا عقاب ذلکم و ثناکم مستبشر ایشاکم انما یا سلیم یا حکیم
کل حکم نماید ایشابا من عالم الانوار چنانست که هم این
بیاد آن چنان در جنت مشغول گشته و از معادای نور و اشیاء
با آن عزیزان گفتگویی نموده و از کمونات قبیله
و اماال و منیات خویش آری بر صحرای اوراق گدازند و در زمین
مستقیم بدانند که احدی از باور زنده و حیل نیست و برودت
و پیغمبر همیشه در این محاورات روحیه فتاح و شریک
و درین دو زمین و نشانی صاحب الدبر و لایحه مرعیه اوست
از زمان نعت و در آن بر سره از نسیم جانور و سلیمان
که از زمین عالم بر سره و در آن است بنده آن را که در
اشکال بر زمین است و برودت روح و جانور و سلیمان
و در آن است

علامات فرج بخش قیام و استقامت آن مجاهدان و سالکان حسین بن علی
 پرامید و سرور بزرگوار حضرت کربلایا را مشاهده و سزا که
 با وجود حصول بلا و رزایا و ریزش سیل بیان کن امتحانات و تقدیر
 خاصی ساکنین ملک بها آن فرشته را شده ثابت ثابت مومنین مشرف
 زمین بزمی آئین و بیانی آئین و مسکن و رفاری چون نورسین
 بدایت جمیع خاقین و اجراء امامم به عیسم و وصایم به ملام
 یفا و نهار مشغول و مانوس مجال و امامت یک گسسته
 و از نقیذات عوالم تزییه بر چیدند و برود الوتقای غیبات
 نازنین موهی خویش آویختند و هدایت بنا و لمن خویش ابقا
 من علی الارض پرده شدند و در کمال بکامی و اتفاق کثرت واحد
 پند ابری بجهان و وسایلی فعا و تشبیهاتی متقنه در اجرای
 تمیذات ساریه و تبه موجبات و مقدمات تأسیسات عظیم اقلنا
 اینده آئین خویش کابغی و یسین همت بیخ بجا شدند هم مجال
 لا تسیریم بخاره و لایح عن ذکر الله لا تا خدم لونه لامنی خدمه امه
 و لا ینعم کیده که من بعد دعوت و لافلم عاصد من اثبات عفت و ابراز
 سلطنته المبینة علی العالمین با ساء و خرا خل و فوری در عزم و ارا

آن باسلان و مبارزان میدان خدمت اعدا شد نمود و
 حملات عینت حاسدان و اراجیف سیخه منقشه کذبان
 ذتی در عقائد راسخ و نوایای خالصه و انفس سلیمه و افق
 زکیته آن پروان و برگزیدگان حضرت رب البریه وارد
 نیاورد بلکه بالعکس هر قدر ظلمات جور و جهای بیوفایان
 و اهریمنان حاکمه و شدید تر گردید نجم دتی شکست و تعلق
 آن جسیان با حضرت یزدان در آسمان ایمان و ابقان بر
 صعود و تعاریض میزود و نور و ضیائش با زختر و منکذات
 گشت هم عباد و ایستهم ضر و لا کدر و لا بکار لا خوف علیهم ولا
 هم یحزنون یستبرکن بوجودم الملائع علی و یستفرین بهم
 طلعات الفردوس فی الجنة العلیا و یسیرن الیهم بانها هم
 ملائکه اقدس فی الرزق الالهی و ینادیم عن خلف
 سبحات الجلال عرش الکبریا ربهم الاهی بان اجاب
 و اخلاقی و حظه امانتی من خلقی انتم اصفیائی و خیره خلقی من
 عبادی قد خصصتکم لفرقة امری فی ملکتی و سازتکم فی ملکوتی
 مناهجنا ایها النصارون فی ملکوت الله صبر شیبه کبریه

و چون گذشته ایام نقل بر جرد و خالی و نهمت و افزائی بنماید
 و از نتایج سخن و صولت زوایج افشنان شناکی بیاسید و
 افسرده و غموشش گردید ان رتبا بالمرصاد غریب بول
 رتبا لجمی الاهی و طبع الما و صبا و اخرا با به مولانا و محبوبنا
 عبد الباق روح الوجود المرقد الفداء عروس آمال دیرینه
 اصل با کشف نقاب نماید و از خلوتخانه است قدم به رسمه
 شهود گذارد و جلوه فی جبروت بگیرد و جامعه مشرقیان
 و مغربیان نماید و عزت قدیمه موعوده را علی رؤس الالباب
 رخا لائف کل ما بدرد و و کذب نمود بود و آشکار
 سازد اعمده محافل معتدله مرکزی اصل به استدر جبار است
 اساس نشین و رزین محافل مجلیه روحانیه در مسر کشور
 ثابت و استوار گردد و بر این اعمده مجله قصر شید بیت
 العدل عظمش مرتفع و منسوب شود و در قلب امکان سر
 بر افرازد و وحدت مع اسل بهار بر روی زمین من اقصا
 الی اقصا امتق و محبت سازد احکام منصوصه کتاب
 مستطاب حدیثش احسن بایکن فی الابداع بزوج و بطن

و تنفیذ

و تنفیذ باید و از آن سر چشمه نظم الهی با حیوان که کافل حیات
 ابدیه و دافع شرور و مکاره عوالم ترابیه و شافی اسقام
 و حل مزنه است بر تمام اقوام و ملل متباینه و متباخته
 جهان جاری و ساری گردد سلطه ظاهره اسم اعظم زلزله
 نازکان ممالک و بلدان اندازد و علمای رسوم از هر طرف
 و در مسر کشوری یعنی را مرحوب و متسببه و برخی را فخر
 و منشتت و مغفور و معدوم سازد و ناطقه الحق
 تا بجم مواعنی بوم لغیر ثم زلازل ایام التداو تم محبوب
 ارباب کره عظیم حقیقت قاهره نافذه نوزائیه مند مجده
 امر با کائنات فی وسط اسما بر ملاکتوف و مبرهن گردد
 و مسطرات نظم علی من دون استثنائا کالتنفس فی انجود
 قلب جهان و جهانیان منطبع و مرشم گردد یومئذینوح
 المکذوبون و یفسح المؤمنون بضراته ان نصره قریب
 ای عزیزان حضرت جد البهار روحی بیکرم و فاکرم لفظا
 در این ایام آنچه از الزم لوازم محسوب و تقویت اساس
 امر الهی و ارتقاع شان و منزلت آئین آسمانی و

بزوج

و ترویج احکام تربیت بهائی باین معلق و مشروط دوام
خبر است اول تشریح در تهیه موجبات تشکیل
بیت العدل اعظم الهی و ثانی اتمام مشروع بنا مشرف
الاذکار امریک است از قبل در نامه های این عهد
علی الخصوص نامه عمومی که بعنوان وکلای دو بین انجمن شور
روحانی اقمیه مقدس ایران ارسال گردید بتاریخ تویز
۱۹۲۸ اشاره باینجهت و لزومیت تهیه وسائل کامله از
برای تحقق مقدمات نهیده به آن مشروح و تفسیر و تا کنون
حال اینجهت با تفسیر فطر و مترصد است که بحسب خواهش
و تمایز اخیرش در آن نامه عمومی راجع به تهیه وسائل
انتخابات بجهت روحانیه که در کشور مقدس ایران از
مقدمات اساسیه و لوازم ضروریه انتخابات بین المللی
جامعه بهائیت که عاقبت منتهی بتشکیل بیت العدل اعظم
عمومی گردد محافل مرکزی در ممالک مشرقیه علی الخصوص
امشای الهی در موطن اصلی جلال قدم جل اسره اعظم قیامی عاشقان
نمایند و بهجت موفور و سعی نهادی ببدول فرمایند و

بشارت

بشارت محافل روحانیه مملی در آن اقمیه مقدس و تعاون و
تعاقد جمهور مؤمنان و مؤمنین در آن کشور زمین و آسمان
موجبات انتخابات بجهت روحانیه و تربیت انجمن بهائیت
کاملی مباشرت کنند و در کمال جدیت از اعلان و
بجائی و روحانیت و صداقت و امانت بر آنچه بحسب
مضمون قاطعه آئینه نامور و مکتوبه قیام نمایند و پس از اتمام
و اتمام وظیفه موجوده مقدسه خویش بخواهند امانت بجمعیت
عمیقه دقیقه خویش را من دون تعویق و تاخیر در اختیار
بأرض مقدس ارسال دادند تا پس از مراجعه و تدقیق اعدا و
جمهور بهائیان در همه قسمتی از قسمتهای امر تیره بحسب قدها
ناخین از مؤمنان و مؤمنین تعیین و اعلان گردد و
دستور العملی مخصوص راجع بحقیقت انتخابات اولیه و ثانویه
در آن کشور مقدس بزرگان تسلیم ارسال گردد تا آنکه
پس از تشکیل محفل روحانی ملی بهائی کشور مقدس ایران که
به بیت العدل عمومی در کتاب وصایا مونسوم گشته و هنوز
العملی عمومی راجع بانتخابات اخیره بین المللی بهائی که منتهی بتشکیل

بیت

بیت العدل عظیم کرده تمام بدان واقفیم در شرق و غرب
 عالم بهائی طبقاتیادیه و تعلیمات المذرجه فی الواحد و وصایا
 از این طوطی بگفته مرا که امریه مستقیما ارسال گردد عند
 ذکرت تحقق آمال من فی البهائیه و بتم ما امرنا و کلفنا به مولانا
 فی کتابه و وصایاه جسته بستم عرش حکومت البهائیه فی
 ارض البعاد و بنصب میزان العدل و بترویج علم الاستقلال
 و بشوق حجاب آستر من وجه ناموسه العظیم و تندفخ انهر
 آسن و الا حکام من بقیة النور الیهیفاء بطنه و بیمنه
 لم تر شهما القرون الاولون اذ ایتهم صدق انزل
 من لسان الکبریا بان ناکرل بشدی صبیون سکن
 انی الکنون سلطان قلب العالم و بنور ساطع بر شرف
 الارض و من علیها... باکرل طوبی لبعده طاف حرکت
 و ذکر طنوک و بر و زک و ما فرقت من فضل الله ربک...
 سوف تجری سینه الله علیک و یطرا حل البهائیه الذین
 ذکر رسم فی کتاب الانسباء
 ای آجای المی نعین یادی امرالله و تنفیذ احکام منته

شریفه

شریفه الله و تشریح قوانین منقسه خدا از منصوصات کتاب الله
 و انعقاد موثر بین المللی پروان امر حضرت عباس آراسته
 و ارتباط جامعه بهائی با بجهت های منفرد علییه و ادبیه و دینییه
 و اجتماعی کن تشکیل و استغفار بیت عدل اعظم المی در امر
 اقدس در جوار بقاع مرتضیه منوره علیا منوط و معلق
 زیرا این محمد اعلی بر حشده اقدامات و اجرائات
 بینه بهائیان است و معین و مرجع این عبد ناتوان
 بهما تحقق آمال اهل البهائیه بهاستحکم دعائم الامر علی
 وجه القبریه بهاتلفه خبیانه و تحلی آثاره و ترویج رایانه
 و شطع انواره علی اختلاف اعمین
 و همچنین آنچه ایوم از استس اس امر الله و مقتضیات
 دین الله و وسائل جریان شریعت الله و اشتها کلمه الله
 و کشف سرار حکومت الله است از تفاع مبینان
 مشرق الا دکارد در مغرب ارضی است در اجده بالوای حدیث
 و بیانات و تاکیدات کافیه شایده که از فم در می بیاق
 و کلمت المسمیه مرکز امر نیز اتفاق سنبن متوالیه است خطابا

ناجیه

فاجار ايسارنى مشارق الارض و منار بها راج باهت
 موقف شرق الاذکار امریک صادر گشته بیا آرید قوله
 عربیانه ای باران شرق و غرب ... شرق
 الاذکار علم اساس اللمی است ... باید اجبای اللمی تنها
 بت و خلوص نیت و جانفشانی معاونت در این تأسیس
 ربانی فرماید حال در اقلیم امریک اجبای اللمی معتمد بر تائیس
 شرق الاذکار گشتند و در بهترین نقطه لی زمینی میتا نموده
 و مشغول بجمع احاطه گشتند هر چند آنان این مشرق الاذکار را
 در نهایت متانت و رصانت اتمام خواهند نمود
 ولی محض ارتباط شرق و غرب و از دیوار انقطاع
 حسیه و حکیم بنیاد اتحاد و اتفاق باید جمیع اجبای شرق
 بقدر امکان معاونت نمایند و لو بعد از جزئی مسلمی باشد
 لایکلف الله نفسا الا وهم و این عانه باید از جمیع
 شیره و از جمیع اجبای اللمی گردد ... ای اجبای
 اللمی یقین نمائید که در مقابل این اعانت ضعاف
 مضاعف خبر و برکت در زراعت و صناعت و تجارت

حاصل

حاصل گردد من جابر با کسبه فله عشر امثالها شبهه فی نیت
 که حق قدر اصل انفاق و انبیا شد بد فرماید رت رت
 نور و جوه اجناسک المخلصین و آیدم بلا که نصرک المبین
 و قشتم علی صراطک المستقیم و افصح علیهم ابواب البرکة
 بفضلک العظیم لا تخم یفتقون ما توخستم فی سبیلک
 و یحافظون علی دینک و یطیعون بذکرک و یبدلون
 اردو جسم فی محبتک و لا یخلون باموالهم جابجا لک
 و طلبنا رضایتک رت قدر لم حسنه آمووزا و نصیبا
 معروضنا و اجرامنونا آنک انت الموفق المویة الباذل
 المعطى الکريم و ایضا میفرماید ای باران اللمی باید
 از سه کناره اعانت بر خیزد و جهان دول در این مورد
 اتفاق نمایند تا در جهان شایع و جهان گردد که
 بهائیان شرق و غرب حکم یک خاندان دارند و رؤا
 یک دودمان ترک و یهیک و فرس و امریک
 و هند و آفریک حکم یک خد و یک عیش دارند و بدون
 طیش معاونت و معاذت یکدیگر بر خیزند و امثال

مبرور

برود در نگاه دست غفور مقبول و محبوب در تپس
 مشرق الاذکار و عشق آباد فی الحقیقه یازان بنیاد و حدت
 انسانی که هستند تا آن بنیان بلند گردید و همچنین
 حال انجمنه از حسیب اقالیم عالم بقدر امکان اعانت
 بیانی مشرق الاذکار امریکت ارسال میگردد شما بجهت
 یازان الکی ممنونیت عهد البهاره در این خصوص اطلاع
 دارید فی الحقیقه این سمت یازان شایان شکر است
 است ... این اتفاق در سبیل نیر آفاق بسبب برود
 قلوب روحانیان است و از یوم آدم تا بحال چنین
 امری واقع نشده که از اقصی بلاد آسیا اعانت بجهت
 اقصی بلاد امریکتا ارسال گردد ... العزة لرب العوالم
 والحق لذلک انعمون لودود و القدره والقوة
 للمی الغیوم الذی جل الافاق تحدد و نجمع کما تجوم فی افق التیور
 و همچنین میفرماید "مسئله مشرق الاذکار در امرات بسیار
 تم است بدرجه ای که وصف نتوانم" و ایضا میفرماید
 شارت کبری ای که جمل مظهر منزه مقدس حضرت اعلی

رومی

روحی که الفقه آر بعد از آنکه شصت سال از تسلط اعدا
 و خوفت اجماع بشارت همواره از جانی بجایی نقل شدند و این
 سکون و قنوت نیافت بفضل جمال امی در یوم نیر و در
 نهایت احتفال با کمال جلال و جمال در جیل کرمل در مقام
 اعلی در صندوق مقدس استقراریافت ... و از تصاویر
 عجیب آنکه در همان روز نوروز از شیکاگو تلگرافی رسیده
 مضمون اینکه از بر ششهری از شهرهای امریکتا با تکیه
 از خود مسوئی انتخاب نمودند و شیکاگو فرستادند
 چهل بعوث و شیکاگو جمع شدند و قرار قطعی موقع مشرق
 الاذکار و بیانش دادند تا کل احباب امریکتا در میان
 مشرق الاذکار در شیکاگو مشرک باشند این اجتماع
 در روز نوروز واقع شد و قرار قطعی داده و مراد تلگرافی
 بارض مقصود فرستادند و ایضا میفرماید "کار
 این کار عظیم است اگر بان موفق شویم تا امریکتا مرکز
 سنومات رحمانیه گردد و سر بر ملکوت الهی در نهایت
 حشمت و جلال استقراریابد" و همچنین میفرماید "مسئله

مشرق

مشرق الاذکار نهایت اهمیت را دارد و نتایج عظیمه
 این اول بنیائیت الهی که در آن استلیم گذشته میشود
 و ایضا میفرماید " و اما مسئله مشرق الاذکار من اعم
 الامور فلایبجز التواضع فیها ابدا و اتنی ساکتب الی
 مشارق الارض و مغاربها و اجتم الی معادیه مشرق الاذکار
 و همچنین میفرماید " امر بسیار بزرگوار شده و عظمتش پدید
 گشته مغرب غیب خواهد نمود ... یا بشری یا
 بشری یا اهل امر یکا بشری ... ان التشرق استغنائت
 اتاقبا بانوار الملکوت و مغرب یتلک اذه الانوار فی
 مطالع الغرب اعظم من التشرق و یخی العلوب فی تلك
 الاقالیم بتعالیم الله و تأخذ بحجة الله الاقذة العاصیه
 در لوحی از الواح که ازیراعه محیط مرکز بیاق الهی مخاطبان انوار
 الله فی تلك التباریعی قطعه امریک نازل گشته این کلمات
 دریات و بشارات عالیات مدون و مسطور قطعه
 امریک در نزد حق میدان اشراق انوار است و کشور
 نورسوار و قشایر و مجمع احرار الله البتة از این

مشرق

مشرق الاذکار هزاران مشرق الاذکار فو لده خواهد یافت
 و امثال ذلک نظیر محافل عمومیه سالیانه و تاسیس نجم خیز
 و انجمن طبع رسائل و الواح و نشر آن در جمیع صفحات امریک
 و استعدادی که الان بجهت احتفال و نمایش قرن دومی
 ملکوت الله میشود
 این نیست مگر شمه ای از همان بیان مرکز امر حضرت رحمن که در
 این مقام شرح بر عالمیان نموده شایسته و سزاوار آن است که بزرگوار
 این آیات بیانات و کلمات با برات باران الهی در ممالک و بلاد
 شرقیه علی الخصوص باران دیرین و فدایان امر بین در مومنان
 حضرت رب العالمین کرة اخری گوی سبقت را در میدان
 جانفشانی از یکنان برابند و در این مورد نیز نفوق و اعتبار
 خویش را در جامعه برون امرها آشکار و اثبات فرمایند زیرا این
 بیان مقدس همرازه پیش از انامل مشرق حضرت عبدالهارینا
 و در مجمع اصحاب و اجاب لسان مرکز امر حضرت رب العالمین
 این معبد جلیل القدر را اولین مشرق الاذکار با خیر بنامید تا جز
 کلمه اش را در انفس و افان کرارا و مرارا تقدیس و توصیف نمود

و اكمال

و کمال انماش با علم و سید ترویج آئین با زمین در مغرب زمین پیش
 تائیس این بیان رفیع از جمله مقاصد اولیه حیات خویش بشود
 و ابرو ثوابی بسزایل از برای بانیان و رافغانش در دو عالم
 مقدر داشت بوم اقتحاج آن معبد جلیل را فاخته عصری بی نظیر
 و شبیل در تاریخ ابراهیمی در آن اقلیم بشود و اسرار الهیه که حال
 در هویتان مقام رفیع مخزون و مکنون است بر پروانش در کف
 اقلیم مکشوف و مدلل ساخت آن بقعه نورانیه را هر چه
 الطاف مقناهییه از برای آئیندگان تعیین نمود و بجا و
 فلاح اجرائات و مجاهدات جدمؤمنین را با تمام این شروع عظیم
 معلق و مشروط فرمود بدایت تائیسش توأم و مقارن
 با یوم استغفار عرش رب اعلی بر دانه کرم الهی گشت و بیست
 این یوم مبارک بیست مجده مؤتسانش بعد در لوحی از
 مخزن علم بشارت مقدر و سرازار شد مثال بدیع بهایش
 مقبول نظر و بنصوب آن مولای خون مغزون گشت
 و در انظار عبور مهندسین و مخصبین در علم مدن و ممالک خویسته
 با بدیع و اعلی هندسه فی که از قرون و سلیلی یومناها ایجاد و

اخترع

اخترع گشته منوت و موصوف شد نام قدسین صحت رافغان
 لو آرا ابراهیمی متداول در السن و افواه انام در خطه امریک گشت و
 پس با قایلیم مجاوره و ممالکت بعیده صبت عظیمت جلالش خرا
 نمود و رفقه رفقه شهره آفاق شد رسم زیبایش زینت بخش
 صورت سلاطین گشت و دلوله مزایا و اوصافش می شد دیدار
 قلوب علمای رسوم بیداخت و محرک عرق صبت آن
 قوم جوی و ظلوم گردید جسمی منظر و سرمد جلوه و بروز این در
 جبریت بخش ائمه در جزر شودند و برخی از یونین و نیل در تختن این
 مقصد جلیل حیران دیگران بیگانگان و دشمنان در کینند
 و با انواع وسائل و وسائل در تحذیش اذمان و ایجاد باس را
 با نام و کمال این معبد عظیم سامی و جا به کرده مؤمنین و مؤمنات
 در آن کسره زمین بجائفتشانی و قربانی قائم دارند شهبان و لوازم
 ضروریات و نبویه در کمال رغبت گذشته بضاغت خویش را بینه
 تحت پرداخته و فتنه معبد محبوب نمودند اعانات تالیه از نفوس
 غیر مؤمنه از اصحاب ثروت و کنت مخنی از محبت این امر مقدس
 که هنوز بطراز ایمان و خلعت عرفان مظهر و مزی می گشته اند و

کمال

کمال استنسا و احرام بیکت فرض نمودند و اجابت طلب و خواستن
 آنان را نمودند تا در مستقبل ایام مضیدین و مقلین قادر بر بقوه
 بگردند که این بعد بیثبات با المال معاشرت همی از بیگانگان از
 ارباب ثروت و رؤسای قتل و غیره آنان عالم انسانی که
 در ملک مومنین محسوز گشتند مرتفع گشت و انعام نبایش نشنا
 بقوه بازوی متمولین و خیرات و مبرات حسنین و منفقین از
 فرق و اقوام مختلفه تحقق یافت زیرا با بیان با نفیسم قادر و مستطیع
 بر احوال بعد خویش بودند به بیگانگان پیوستند و بذیل کندی
 تشبیه نمودند تا احتیاجات مایه خود نمودند
 ای جهان و فدایان امرالمی وقت آن است که جمیع زمین
 و مملکت در ممالک و ممالک شرقیه با جمع در کمال غایت
 و شهادت خلفا لیکن امره و اعزاز الشریعه در عرضا علی مینا
 دینه خالصا لوجه المهورب متوکلا علیہ منقطعا عما سواہ
 معاشرت و معاشرت آن قدر قلیل برادران و خواهران عزیز
 خویش که بر حسب تعلیمات مؤکده حضرت عبدالنهار با بیغای این
 و بیغای غیره متقدمه بدل جهان پرداخته کلا قیام نمایند و از

مال

مال و مال گذشتند بر عالمیان و در میان روحا و عا اشیات نمایند که
 و عدت هیچ اهل با حقیقی است ساطع و قوه ایست تا قدره
 مستند از روح حضرت قیامت است و هم و مسامی بسزودشان
 مؤید بروج من شد اند از اوق استغفار چون نجوم در حرمه
 و در آسمان تقدیس و تزیین چون شمس مشرق و مغرب مد و معین
 یکدیگرند و در موارد امکان مشابه یک نفس متحد و متفق بر
 یک واحد کالغند و بقوه اسم اعظم بر جهان و جانیان ظاهر
 و غالب از کرد و یادگر گزیند و با فیه شهادت کذبین و مصلین
 امر عباد جنگ و ستیز و وسیل صیانت شرف و
 منزلت آیین خویش تا نفس اخیر چون هر بر دیر مدافع و مجاهد
 و بر حقیقت ساطعه لاریه و صد بها و تراکم من افعی الایمی
 و نصر من قام علی نصره امری متوکل و معتد این است قوه
 و اخصه بود در علم اعلی این است سر نصرت و غلبه بیرون
 امر با می حسبتا و حسب کل شی با نمی با شکر محبت
 تقدر علی العالمین حسن اولی اگر است لیا لیل اللی شریح
 الکریم بترقات شخصی و احسانات عمومی علی ساطع امر

بر

بر اقلی بواسطه انسانی محل مرکزی آن اقلیم راست و مستقیماً
 بنام اولیای امر اقلی در امریکت ارسال گردد چرا که الله با اجازت
 فی کله حسن الخیر و قد فعل مکرم فی کله مغانا تنوق الیه ارواح
 الملائکة علی و عن در انهم طاکة الفردوس فی الجنة المأوی
 ای برادران و خواهران روحانی یله صعود است و شریک
 خونین از حیوان اصل بهادراین لید لیل چون ابر بهاری باطن و نال
 در این مصیبت بهما و در زبیه عطشی این جمیع میان رسالتی اعظم و اصل
 از اجرای وصایای اخیره اش و بر تشبیه این دو امر خلیفه که از علوم
 اشرف تعلیمات و نصائح محبوب چاره فی بنوده و نیست خدمت
 باین دو مقصد جلیل زیر امر اتوا تسکین دهد و از غفلت مستولیة عموم
 و هموم قلوب کسبیه را بر ماند جودعات وقت و حرمان از التیام
 و در روح خیانت از خود را کالبد افسردگان بدد پس ای گروه مجتهدان
 قیام و اقدامی و ای خسته دلان بر از شجاعت و شهنش سولا
 توانا از عالم بالا می علی الوفا علی علی الغدا اتی اناسی فی الخافن
 ابی ان اضرونی باعماکم باطلا لبعین ندایم فراید وقت است
 و زمان زمان جانفشانی و استقامت جفا است که

خاموش

خاموش نشینیم و این فرصت گرانهار از دست دهم و از این
 عطیه غلی و شرف استی که خدمت باین دو مقصد جلیل است
 خود را محروم و ممنوع سازیم بکوشایسته و سزاوار فارسان مضارکمی
 آن است که این صلاهی جان افزاران دون نزدیک اجابت
 نموده هر یک که خدمت بر بندند و قدم بسیدان جانفشانی گذارند
 و لیک القسم لیک گو بان ستم بهمت را بوجوان دهند و
 بچکان بودیت کوی سبقت را از یکدیگر بر بایند بذامایستغنی
 اندیشا و اناسره اعمال و تساوی در این مقام حاقشش بایس و
 حرمان است و نتایج اش پشیمانی و خسران ای اصل بهان نظری
 بسنوات اولیه صعود عالی ای اندازید و ظهورات قدرت و
 شامت و عزم و غلبه لیب عربین بیسابق را در دیده امکان پس از
 غروب بتر آفاق یکیک بخاطر آرد سبب و زندان و نقل
 فاجع همسران و نقش ناقصان و ناگهان و بیوفانی منشیان و
 مستغفان و ظلم و شقاوت سلطان متفاک و بی باک عثمانیان
 آن مظلوم فرید و وحید را از دایم بر مبادر بکوحه طایب و زبا
 باز داشت و از اینها امام غربیه در ارضی بدن عالم و استغفار عرض

رب

رستاخیز بر کوه کربل و رخ بنیان مشرق الاذکار در مشرق اقصی و
 بسط دعوت اربعه در صوامع و مجالس و مداین و معابد و در تمام
 اروپا و امریکای مانع و جاهل نگردد و دقیقه ای آرام نگرفت
 و آنی استراحت نداشت تا آنکه عاقبت جهانبازان مغرب را
 حضرت بی چون نمود و عالمی را اسیر زلف غیر افشان محبوب
 ایمی کرد و لسانی مولانا دستیدنا و محبوبنا اسوة طیبه خسته
 بشری لمن اقتدی به و تاللترو دین

ای مولای مبینا نظری از زلف اسی بر این بندگان بنیاده
 عالم ادبی کن و قوه دستگامی بر اجرای وصایایت و
 سخن نوایایت عطا نما تو واقف بر حال پر طلال این ستمند
 و تونی بجان مجبور و دستگیر این در ماندگان آشفته گان آن
 روی دلارایم این غمزدگان را نوشتی ده خسته بجز و فرام
 این نام زدگان را تو توانایی بخش اگر مددی از عالم بالا بین
 صفاد که کتادی نزد کل معنودیم و معدوم و اثره حیات
 کل معنوم و معدوم پس دستاقدار از جیب شیت بدون آن
 و این حبس پریشاز عزیز و جهان کن عیون هموم و معنوم

بید بنیاب منشت نما و در عروق این مینوان روح حیات را
 بچربان و سراین آور دست تطاول اولو البشار اکتوا کن
 و دشمنان دینت را حیره القناظرین فرما انشای امرت را
 بر رخ این دو بنیان شبید تا بید بخش و بنا بسین منشت
 آئینه در شرق و غرب عالم هدایت فرما افرومای زمین را
 بر حضرت در است این حزب مظلوم دلالت کن و خصوصیت
 مشرکین و مشرکین معاندین امرنا زمین را به نیز روی هم است
 درم شکن بی باکل مجروره صافیه نوزادینت که فرمود کتابت در توانند
 مبعوث فرما و با نقابن طیبه و نصر فاشان نفوس خسته
 این طلشکده عالم را رشک جان نما صوت ز حال امرت را
 بسامع این شتافان برسان و از عنایت فرما و آن برگزیده گان
 مردگان فراتش فطنت را حیات ابدیه بسدول نما
 ما بنیان فخر شیدت که در محنت و مشقت در امرت کتب
 و بر کن احسان کن و بر اکمال و انجام مشروعات ما بر
 آینده آئین خویش فوت و توانایی بخش از خاک کبریا
 موطن اعلایت که بدما شبیدانت ربان گشته منشت

علم و حکمت الهی برویان او بر اعلیٰ قفل بدان غربیه پریم استیقلال
 شریفه بهار اید آن مجاهدان دلیر برادران از ازا قطار شهابیه که
 بشر فاطمت نشا و مبدار حال آینه اند بیساکل مقدمه منقطه
 مبعوث فرما و بنفحات روح القدس مساز کن و
 بفتح بدان قلوب در اقصیٰ جنوب عالم نامور ساز ایام و
 قیائل مشاغفه اروپ و امریک و آسیا و آفریک را در ظل
 عین سده پرده هم طفت محشور کن و بر تاسیس صلح عظیم و اعلیٰ
 وحدت عالم انسانی نمایندگان مشرق و غرب و جنوب
 و شمال را با هم در موقن نما و مصداق اذ آتری الارض حینه
 الاهی بر مدعیان و سرودان علامه و ثابت کن
 نونی بحیر نونی دستگیر نونی

ببینید و نونی شنوای

۱۹۲۹ نوامبر ۱۹

بنده پنهان

نونی

درد و کاه صبر زنی امیر و جبار و کبر و دروغ و بیخ و بیخ و بیخ و بیخ

کتاب محمد بن فضل مقدس عافی مرکزی ایران
الکتاب الرحمن و خلفایه نامه های اخیر مجلس مقدس
تاریخ ۱۰۹۰ خجانبوری ۱۰۹۰ و ۱۰۹۱ و ۱۰۹۲ فروردین
و ال برتبه جانش اطلاع حاصل گردید حمدی و تیمم الای
که بد قدرت و توانایی خویش عزیزان ستم دیدگان را
اهم بنیان برهاند حقوق و عود محمود مقدس شاد و مستبدر
و شمشان پرکین را بنحاک ذلت بنشاند و افسرنت
قدیر را بر سرق آن برکنندگان بنهاد و ضرب مظلوم
دران سامان عزیز و محترم فرمود و علمای جلیل مظلوم را مقهور
و مرعوب و مایوس و متشتت گردانید و انما وعدنا
به مولانا و سیدنا و محبوبنا من غیر الطاهر الذری البیض
ان نام افرح و نباط است و به کام شکام خدمت
و جانفغانی وقت ازت محافل مقدسه و رانیه بدو
هموز موزین و موزان ان اظیم مقدس کمال شجاعت
و متانت و زراشت و احاد و اقیب تبیین و تحقیق حقائق

و تبریح

و تبریح احکام فیه و علی قدر مقدور و از بد و با شکام
اعریه تنفید مباد و تعلیم الهیه عمومی و جامع و نهضت
تایید و رفع موانع از برای تشکیل مجلس ملی و مسالمتی
لهبت و در مجموع نهایتا کان که در ایام رفدوان و این
میل و نهایتا بعد از کمال احسانیه و نهضت مقامات
لازم از برای اجتماع و کلای تحبیه که عده آنان بنوع
مبذول و ارب و هم چنین مذاکره و معجز نام و نهضت سائل
تشکیل مجلس ملی روفا که بعضا آن نمایندگانی را
ان مجلس ملی پیدا مای یک مرتبه در نقطه تعیین
بکمال جدیت و نهایتا به کام محور پر و از بوسیت خدا
و مخالف و تکالیف متراپه امریه عمومی قیام نماید اگر
از تشکیل مجلس ملی بهائی و انعقاد جلس آن اجتماع
تعد آن انجای و طام مقدسه آن مجلس حاصل گردد البته
سوی و جامع خواهد بود و علت این امر آنست که
بهرت و مرجع و با خبر و معجز کرد و معجز نام و نهضت
درین سنده لازم با وسایل این کرد و در کواخص تکمیل شود

۳۱
رفه موانع تهته مویات آن بحال تعین و دقیق اقدامات لازم
گردد و همچنین اقبل ایام ضنون در هر سینه بصورت مصیبات آن از مین
و مؤمنات از سن بیت و یک بیالادیه هر عیالی باشا
عدوی بین از و کلایر و از مجموع عدد و کلایر تمام شش ماه
که بالغ بود و روح بود باید در ایام ضنون علی العجب که در مرکز
مجمع گردند و این مجمع نمایندگان ازین عموم بهائیان ایران در حال
توجه و انقباض متوکلرا علی الله خالصا لوجهه نفس متعده سیکه
مناز از یاد و ن قایل مستعدا بتمام فیض مستقیما احتیاج
نمایند و آن نفوس کثیره مجلله که تحتین جمهور بهائیان ایران
باید اقلانای یک فعه در نقطه موافق و مناسب مجمع گردند و
دستور العمل کافی وافی بلیزه بلیزه امریه و سینه و سیمیا
اشخاف فرمایند و در امور ملیه روحانیه مشورت تمام
و محافل خلیه را یک دیگر مرتب نمایند و در تشیید و ابلا با اولیا
امور سعی باج مبدل از بدو بر ترتیب و توسعه دایره نشر یا
عمومی مرتبه قیام نمایند و در اعزام مبلغین و تقویت امر
و تبلیغ همی فوق العاده نمایند و باب مجابره و مراسله

بامحال تأیید و عاونه و مراکز خارجه جامعه منقوع را از دسترس
شاکت با سایر محافل ملیه روحانیه در اختیارات مراد که تشریح
بتشکیل بیت عدل اعظم الهی گرد شوند و به تنفیذ و تطبیق احکام
منصوصه کتاب درت جامعه بها منقوع و بالوقت
این وظائف عالییه و تکالیف مبرمه و فرائض منصوصه مبرکده
منوط و شرط است و استوار تحمل روحانی نهائیان ایرانه
مستحق و منوط است که در این امر استقامت و کمال غیبت بها
جمهور مویات و منوط است که در این امر استقامت و کمال غیبت بها
ملتیه نمایند و اسما و عویش ازین تریه کمال صرا و اطمینان در این
نمایند کناره نگیرند و استغناء نمایند عقیده کتمان نمایند و از تقییه اجتناب
نمایند از پس رده خفایر و نایند و قدم بندان حد گذارند و مضطر
و برسان نباشند و بجان فسانی قیام نمایند هر امر از این
اعلی کنند و در این سبب از سبب امر و سبب از سبب امر
شخصی و صلاح شخصی و ملاحظیات نفسیه را در کمال
تعمیر امریه فرمایند و تقییه و کدشت ایام کافل صیون
و حفاظت و حمایت مظلومان این شاکران بود
و یگانه و سیده خط و حرمت این حضرت را از این

چون اعدای امر الهی بودند و در آئین آسمانی تربع ستر و نشان از رویه
 حقائق هرگز برآید و شهادت و عهد اساسی که مثل بزرگان مملکت است
 و شهادت است و با شهادت استقلال شرع نصرت بهای الله عزوجل
 و این سبب است که در قطار و اکناف عالم معروف و مشهور و معروف
 تقیه و گنجان عقیده اهل حق و حق سیرت و در انظار اهل حق
 بی مورد و مضر می آید و بدین جهت و بدین جهت و بدین جهت
 از این امر سستی عقیده هرگز است و خلفه با این است
 و الصیام علی هذا الامر الا و غیره و التمسک بهما بحبل متین و
 التلوی فی المنهج القوی جعلکم الله رایاً نصره و صابح مسدود
 مثال مستند و مطالع اقتداره فی بلاوه از خیر حجت است
 و تصفیات و تعذبات و آروه عزیزان کستان و قفقازیا
 با اثرات تحولات شدید حال مراکز خارجه و اوروس
 و امریک فایز گردید و تا که گشت که آنان نیز به خط اولیا
 دولت و نمایندگان حکومت یازده دولت شوروی و مجاری و برابله
 نمایندگی بلنچ در این سبب مبدول از بدالتشان و او را غیره
 و مع و مکان بواسطه اولیا امور و مرکز نمایندگی حکومت و بدین
 حکومت مبادم بدول نمایند و بواسطه مکنه مثبت گردید
 عمل تبدیل غیر اولیا با لیس و شد تمام بالرخاء
 و غیره

و غیره بالفرح الکبر این بلایای متابعه الممال بر طرف گردوس
 در آن فتنه زناطع و یا هر شو و استعداد نفوس زیاد و ممالک
 و آماده گردید و وجود الهیه تحقق پذیرد و نداد ملکوت زناطع
 اندازد و غیره لایم و هجرت و نشئت در این ایام علت است
 اعدای امر الهی گردیدند تا بهت مراعات اعتدال و ملک و ملک
 مناسبت امریه و اطاعت دولت حکومت در این ایام بر انقلاب از زمین
 موجب اعلان شد بعد از آنکه امر الهی شاکت و آرده از آن ایام
 راجع به استقبال همان نوازی با آن الهی نسبت بان فوتمات و منین
 حضرت من با شاکت علت است بهاج قلوب و شرح صدور است
 سفر استنتاج مدوجه حاصل گردید و علت از دیاد نشاط و استیلاج از
 محتر و یاران استمدیده آن سامان شود و انشا الله این بعد از ابله
 اجبای الهی در مدن و ممالک اروپا و امریک و غیره و اقصان کشور
 معین نمایند و در جمیع ممالک و ممالک و ممالک و ممالک
 در اصفی بر آید و آن به الوعد غیر مذکور راجع با شاکت
 مطلب و سوال جواباتش من مونس جازولی محمد طبع
 جزوه و کتاب مقدس خواهد رسید ای کم الله علی خطایا
 امرو و اشرار عالمه مبادنی ملک الاجار بنده استیجاب
 ۱۲۲۱ پیر ۱۹۳۱ بیدر عبد الرحمن حقیق ۱۹ اردیبهشت

طهران امنا الرحمن اعضای محفل مقدس

روحانی علیهم بهاء الابهی ملاحظه نمایند

عریضه مفصل و نامه مجل مورخه ۲۴ بهمن ماه ۱۳۱۰
در این احیان بساحت قدس محبوب متعال و مطلق بی مثال مرکز
امراقه و مبین آیات کبری حضرت ولی امر الله ارواحنا لوحدته
القداء واصل و مندرجاتش کاملاً بلحاظ امنع اعلی لائز و در جواب
این بیانات متعالیات از شطر افضل خطاب بآن انما الی صادر
قواء الابرع الاحلی فرمودند در خصوص اختصالیه متعالی را
بی دربی متذکر دارند که در قضیه احصایه و اکتال بآن است
بلیغ مبذول دارند و دیگر اعضا انجمن را در ایام در سوال با هم
بکمال دقت مذاکره در تهیه مقدمات و رفع موانع از برای اجرای
التخابات علیه و تشکیل محفل ملی نمایند الزاماً احیاء در جمیع القاطن
بایتمند و مساعد نمایند کان خویش در این امر مهم باشند غفلت
و تهاون مقرر با اساس امراقه و منحل در نظام شریعت الله و علت سلب
تأیید حق قدیر است) و همچنین (و آنچه در خصوص تاریخ امر
و کتاب سالنامه بهائی و انتشار ابلاغیه مبارک و تشریح باران الهی
و افراد احبا در طلبیدن آنها از امریک امر و مندرجاتش داشته بودید در
ساحت اقدس مقبول واقع فرمودند افراد بی درستی در کتاب عالم
بهائی و تاریخ امر را از امریک رؤساً طلبیدند و از امسال

طبع میشود و دخولش در ایران بی نهایت مفید چه که صلحه اول
 آنزین باعلان راجع ملکه رومانیاست که بخط خود جهت این
 کتاب لگاشته و تعریف زائد الوصلی از تعلیمات بیهه مقدسه الهیه
 نموده عکس خط او بینه درج میگردد تا مجال تردد از برای
 احدی ننماید اما راجع بمسئله انتخابات و تعیین نظار معتد علیه
 برای جمع اوراق آراء که همه ساله از طرف محفل مقدس روحانی
 معین و معمول به میباشد فرمودند هیئت نظار باید نفوس زکبه
 مفصله امینمقتدره باشند و کمال مواظبت را نمایند که انتخابات
 آزاد و سری و عمومی باشد از فساد و خدعه و دسیسه و احکراه
 جلوگیری نمایند و ممانعت کنند و همچنین لازم که سعی و اهتمام کامل
 در انتخابات و کلا مبذول دارند زیرا نظر بکثرت عدد و تشتت
 احوای طهران و تردد و تعاون بعضی از افراد انتخاب این هیئت
 سهل و آسان نه و از انتخاب درجه ثانی که اعضای تسه محفل
 طهران باشند مشکلتر و صعب تر بنظر میآید لهذا اهتمام تمام و
 دقت کامل در تنظیم و اداره انتخاب درجه اولی لازم و واجب و
 اما راجع بطبوعات و نشریات امریه عموماً فرمودند نشریات امریه
 چه مطبوع و چه غیر مطبوع باید جمیع من مودن استتفا بصوب و
 اجازه لجنه مرکزی مخصوصی که از طرف محفل مرکزی تعیین
 و تشکیل میشود برسد والا طبع و انتشارش جائزه و از جمیع
 نشریات چه متحد المال چه غیره مطبوع و او غیر مطبوع باید چند
 لیسنه بارض اقدس بعنوان این عهد رؤسای ارسال دارند و همچنین

(و از جمله اموری که مورد تمسین و تمجید هیئکل مبارک واقع
 جمع آوری و ارسال وجوه اعاناتی است که جهت واقفان باران
 الهی جهت مشرق الاذکار امریکا میشود ایراز شهادت و علو همت و
 ظهور رابطه حقیقیه و وحدت منویه از طرف عموم باران ایران
 بمشرق الاذکار امریک موجب تقدیر و ستایش هیئکل مکرم گشت
 البته ککل را تشویق در ادامه این عمل مبرور نمایند زیرا این
 معهود جلیل و بنیان رفیع فرمودند هر چند بنیانش تکمیل شد ولی
 ترتیبانش باقی و ناتمام و باران امریک بکمال جالشانی قائم و بهمتی
 خلل ناپذیر سعی و جهاد و بهائیان اقالیم شرق و غرب مساعد و
 ظهور آنان اگر چنانچه باران ایران نیز در اتمام این بنیان
 عظیم الشان و معبد جلیل القدر مشارکت نمایند اجرشان عندالله
 عظیم و دیگر راجع بحضیره القدس امرواراده مقدسه متعالیه چنان
 که این بنیان باید من جمیع الجهات جامع و مکمل و مزین و ممتاز
 باشد و مجامع عمومی و اعیاد و جلسات محفل روحانی و لجنه های
 امریه و کتابخانه امری و محفظه آثار ملی و دائره معاسبات و
 معاملات محفل روحانی و لجنه های آن نیز جمیعاً حصر در این
 مرکز گردد تا مغناطیس تأیید شود و در انظار عموم جلوهائی
 حیرت انگیز نماید و اگر چنانچه نمایش داده میشود باید از حد
 آداب بهائی تجاوز ننماید نمایش ادبی و تاریخی و امری باشد
 تقلید اقوام و ملل خارجه بسیار مضر و علت توهین امرالله و ایجاد
 مفاسد نماید و مضر باخلاق جوانان است زیرا محیط مستند انگیزه

مفاسد و مکاره و افراد اعالی بی قید و جهتشان بنفای و لامحیره
متوجه احباب باید مقاومت نمایند و در رفع این مفاسد بکوشند.
آنکه ترویج و تقلید نمایند این مسئله باید بلجنه جوانان و احباب
ترقی امام الرحمن تاکید و سفارش شود و تصریح و تلمیح گردد و
از جمله بیانات مقدسه این است فرمودند از حالا در فکر جمع
مواد مهمه از برای جلد خامس عالم بهائی که در سنه ۱۹۳۴
میلادی طبع میشود باشند و اگر این امر بلجنهائی مخصوص محول
گردد احسن و انطباق است حسب الامر مبارک مرقوم گردید

نور الدین زین
۷ شهر العلاء ۸ مارچ
۸۸ ۱۹۳۲

قسمتهای فوق استخراج از ابلاغیه مبارکه است که اخیراً
باقتضای محفل روحانی شرف صدور یافته و جهت اطلاع احباب
الهی منتشر میشود

۶ فروردین ۱۳۱۱
محفل روحانی
۷۷۳

طهران
اعضای محترمه محفل مقدس روحانی مرکزی
حفظهم الله ملاحظه نمایند

هوالمعین
یا ائمه الرحمن و خلفاء خیر و محمد مولای
توانا و محبوب بنی همتارا لایق و میرا که بنایدات
متابعه و امدادات غیبیاش این مور ضعیف را بر
تحقق توایای قلبه اش مؤید فرموده و برائت و
انتشار آثار و ظهورات بدیعه منبغه دوره اولیه این
امر عظیم در ممالک و بلدات غرب موفق ساخت امید
و طیب از درگاه رب مجید چنانست که این مجموعه
در این ایام که صیت مشرق الاذکار آمریک و لوله
در اقالیم باختر انداخته منتج نتایج کایه گردد و علت
آگاهی و انتباه نفوس زکیه مقتدره مستعدده شود
در این هشت ماه اخیر ایام ولیالی این عهد اکثرش
بتدوین این کتاب و تهیه مواد تاریخی و مطالعه کتب
مشاهیر فضلا و ادبای ممالک غریبه و استخراج مطالب
لازمه و بسط و شرح حوادث حسینه مؤلمه گذشته
در این مدت هر چند در مکاتب و مراکز اسلامی با آن
یازان از جمند فتور و تصور حاصل ولی بنحایزات
روحانیه مستمر و ادعیه این عهد در محفل مقامات
مقدسه در حق آل عصه بنور انوار و نور انوار

نامه های اخیر آن محفل مقدس بتاریخ ۲۰ و ۲۱
مهرماه و اول شهریور و ۲۹ دی و ۲۴ آذر و ۱۱ و ۲۲
بهمین واصل و بر مندرجات هر يك اطلاع حاصل گردید
بشارت ثبات و جدیت و فعالیت یاران الهی در آن خطه
مبارک و تحقق و عود الهیه و ازدیاد نفوذ محافل روحانیه
و انبساط دائره خدمات امریه و طبعم و انتشار آثار
مبارک در مدینه طهران و آزادی امنای رحمن
کل مورث سرور و ابتهاج قلوب گردید ولی از
خبر صعود آن خادم فعال آستان مقدس جناب آقامیرزا
عزیزالله خان و رقا اغمسه الله فی لجة عفوة و
احسانه حزن و اندوه بی پایان حاصل آن شخص
شخص رکن رهکن جامعه مؤمنین در آن سر
زمین بود و در صف اول مبلغین محشور مقصدی
جز خدمت آستان مقدس نداشت و آرزوی جز
ارتقا کلمه الله و اشتهار دین الله نمود در این
جوار این عبد از اعماق قلب الطاف الهیه را در حق
آن متصاعد الی الله استدعا و تمنا نمایم البسه الله حلال
النفران و اسکنه فسیح الجنان فی جوار رب العزیز
المنان و اجمع بامر حجاب در این ایام ترك آن
بالمرة دفعتا واحدة جنازته احبای الهی بنص صریح
و امر اکید حضرت عبد البهاء روحی لمرقده القداء
مأمور بر متابعت جمهورند عموم را باید نشویق در

ترك تقالید و رفع اوهام نمایند ولی سبقت بر آنان
مخالف رضای الهی زیرا تولید فساد نماید و علت
تأخیر مقصد و مرام اصلی گردد اگر چنانچه در
بیوت افراد مؤمنین اجتماع مختصری از قهوس
معدوده از رجال و نساء فراهم گردد بوسیله ولی
مجامع مختلطه عمومی در این ایام چه در حفیرة القدس
و چه در نقطه دیگر بهیچوجه من الوجوه مناسب
و موافق نه و اما آنچه راجع بکیفیت انتخاب هیئت
و کلاست احصائیه صحیح کاملی از لوازم ضروریه
است زیرا تعیین عدد و کلا در هر قسمتی منوط
و معلق بعبده مؤمنین و مؤمنات است باید بکمال حزم
و متانت اقدام باین امر نمود تسجیل در این امور
داخل در نظام امر و مخالف اصول امریه است و
همچنین تأمین اکثریت اجتماع هیئت و کلاه در
نقطه معینی و انعقاد جلسات محفل ملی بکمال
نظم و ترتیب اقلأ ماهی يك دفعه از اقدامات ضروری
و امهیدات لازمه اساسی انتخابات ماه است در
اجتماع اول هیئت و کلاه حضور اکثریت لازم
زیرا اولین اجتماع است و نا شست قهر از و کلاه
حاضر نگردند و در نقطه مجتمع بشود مباشرت
تشکیل انعقاد جلسه و کلاه موافق بیکه احسن
و اولی آنکه اعزازاً لامراقه عدد مختصم از هیئت

تجاوز نماید تا تأثیرات کلیه بخشد و در انظار
اولیای امور و جمهور ملت جلوه نماید و مورث انشاء
غافلین گردد آن محفل مقدس و هیئت انجمن شوروی
روحانی که در ایام رضوان در مدینه طهران مجتمع
میدردند باید من جمیع الجهات در این امور اساسیه
مهمه مشکله ملاحظه و تفرس و تدقیق نمایند و در رفع
موانع باقیه و تهیه مقدمات لازمه و تشبث بوسائل مؤثره
فعاله مذاکره و مشاوره نمایند تا بکمال اتقان این
اقدامات کلیه بحقق پذیرد در این سنه در خطه عراق
یاران مؤید باجرای انتخابات ملی و تشکیل محفل ملی
بهائی خواهند شد نظر بقلت عدد مؤمنین و مؤمنات
بحقق این امر در آندیار بسی سهل و آسان ولی در
آن اقلیم مقدس با وجود اصلاحات داخله و نجس
احوال مشاکل و موانع هنوز موجود امید چنانست
که بهمت اولیای امور و جدیت اعضای محافل روحانیه
وسائل و وساطت این مشروع عظیم نیز میسر گردد
راجع بتأسیس سرمایه ملی در این ایام نظر شدت
و عسرت امور اقتصادی اقدام باین امر مناسب و جائز
نه منبعد انشاء الله و وسائلش فراهم گردد ایدکم الله
علی ما ترغم به اعلام الهدایه فی تلك الارجاه